

واژگان مدیریت مالی



درس اول:

معادله اصلی حسابداری

چودد از سده نوزدهم میلادی و هنگامی که "دورکیم" جامعه شناس فرانسوی زبان را امری اجتماعی نامید و به آن جنبه نهادی داد و حالت‌های حاکم بر نهادهای اجتماعی را در مورد زبان نیز صادق دانست. زبان شناسی مانند یک دانش اجتماعی در مسیر استقلال و پیشرفت قرار گرفت. پس از وی «سوسور»، زبان شناس سوئیسی رابطه میان واژه و پدیده و واژه و مفهوم را زاده همگرایی و هم رأیی اجتماعی دانست. همزمان با پیشرفت دانش زبان شناسی، حسابداری نیز به عنوان دیگر دانش اجتماعی در مسیر پیشرفت و نظریه پردازی بود. نخستین تعریف رسمی از حسابداری از سوی انجمن حسابداران رسمی آمریکا در سال ۱۹۵۳ ارائه شد و تا دهه ۱۹۷۰ ارائه شدن تعریف‌های دیگری از حسابداری مورد پذیرش همگانی بود. تعریف «هاوز»، زبان شناس آمریکایی از زبان در سال ۱۹۷۲ پشتوانه نظری برای تعریف حسابداری به عنوان زبان بازرگانی از سوی انجمن حسابداری آمریکا در سال ۱۹۷۵ شد. بنابر تعریف او: «نمادهایی را که انسان به کار می‌برد به شیوه‌ای منظم یا براساس الگوهای تنظیم شده‌اند و قواعد مشخصی بر کاربرد آنها حاکم است. این نظم از نمادها را زبان می‌نامند و قواعدی که بر الگوسازی و کاربرد نمادها اثر می‌گذارند دستور زبان را پدید می‌آورند». برپایه این تعریف، حسابداری به عنوان زبان بازرگانی منظور شده و واژگان حسابداری نیز نمادهای به کار گرفته شده در این زبان هستند. این واژگان در هر یک از زبان‌های طبیعی رایج از دیدگاه واژه شناسی، معناشناسی و ریشه‌شناسی در خور بررسی و تحلیل اند و برخی از آنها مانند واژه‌های به کار رفته در تبیین معادله اصلی حسابداری از اصطلاح‌های بنیادین در حسابداری و مدیریت مالی به شمار می‌آیند. معادله اصلی حسابداری پایه و بنیان نظام دفتری دوطرفه و منشاء استخراج خلاصه اطلاعات ثبت و طبقه‌بندی شده از دفاتر حسابداری به منظور گزارشگری مالی است. از این پس در هر شماره ماهنامه بورس به تبیین برخی اصطلاحات مدیریت مالی خواهیم پرداخت. در این نوشتار، واژه‌های دارایی، بدهی و سرمایه که در زبان فارسی برای اشاره به اجزای سازنده این معادله به کار رفته‌اند، از جنبه‌های پیش گفته مورد بررسی و تحلیل قرار گرفته‌اند. ●

حمیدرضا علمشاهی
کارشناس ارشد
مدیریت مالی

چودد

اردیبهشت ماه ۱۳۹۳
شماره ۱۱۱

است، نه خود دارایی بلکه حقوق حاصل از مالکیت یا سایر حقوق تصرف دارایی و استفاده از آن است. (بند ۹-۳)

بدهی

اگرچه از نظر حقوقی، واژه بدهی مترادف با واژه دین است، اما نشانی از کاربست آن در قانون تجارت سال ۱۳۱۱ و در اصلاحیه بعدی آن در سال ۱۳۴۷ دیده نمی‌شود. بنابراین، باید آن را در شمار واژه‌هایی دانست که نخست در حوزه حسابداری رایج شده و سپس به سایر حوزه‌ها مانند حوزه حقوقی و مالیاتی وارد شده است. هرچند که پیشینه‌ای از کاربست آن در داد و ستد و امور تجاری به شکل «بده و بستان» در گفتار و نوشتار روزمره وجود دارد. تعریف اصطلاح بدهی در حسابداری همان گونه که در مفاهیم نظری گزارشگری مالی آمده است؛ مستلزم وجود تعهدی مبنی بر انتقال منافع اقتصادی است. (بند ۲۴-۳)

واژه بدهی از نظر دستوری اسم عام بر ساخته از پیوند وجه امری «بده» و پسوند اسم ساز «ی» است.

سرمایه

در لغت‌نامه دهخدا در تعریف واژه سرمایه آمده است که «معروف است، ولی در مایه و سرمایه فرق است و مایه راس‌المال و آن سود که حاصل آید اگر خرج نکنند بر مایه سرمایه شود و آن را سوزیان نیز گویند».

این مفهوم انباشتگی در واژه سرمایه، در تعریف اصطلاح حقوق صاحبان سرمایه در حسابداری نیز نهفته است. در مفاهیم نظری گزارشگری مالی در تعریف حقوق صاحبان سرمایه گفته شده که «حقوق صاحبان سرمایه، عبارت از باقیمانده‌ای است که از کسر جمع بدهی‌های واحد تجاری از جمع دارایی‌های آن حاصل می‌شود». (بند ۳۵-۳) و در ادامه افزوده شده است «از آنجا که حقوق صاحبان سرمایه ماهیتاً یک «رقم باقیمانده» است، بنابراین فقط صاحبان واحد تجاری از افزایش در خالص دارایی‌های آن بهره‌مند می‌شوند. حتی اگر سودی بین صاحبان سهام تقسیم نشود، ثروت آنها افزایش می‌یابد چرا که وجوه تقسیم نشده برای تقویت بنیه مالی واحد تجاری نگهداری شده است». (بند ۳۷-۳)

در قوانین تجاری ایران، هم در قانون تجارت سال ۱۳۱۱ و هم در اصلاحیه قانون تجارت سال ۱۳۴۷ شاهد کاربست واژه سرمایه در متن قانون هستیم. در ماده ۲۱ قانون تجارت سال ۱۳۱۱ در تعریف شرکت سهامی گفته شده بود که «شرکت سهامی، شرکتی است که برای امور تجاری تشکیل و سرمایه آن به سهام تقسیم شده و مسئولیت صاحبان سهام محدود به سهام آنهاست». در ماده یک اصلاحیه قانون تجارت سال ۱۳۴۷ نیز آمده است که «شرکت سهامی، شرکتی است که سرمایه آن به سهام تقسیم شده و مسئولیت صاحبان سهام محدود به مبلغ اسمی سهام آنهاست».

فلسفه وجودی شرکت‌های سهامی جذب سرمایه‌های بیشتر برای گسترش فعالیت‌های تولیدی و تجاری بود، اما همین فعالیت‌های گسترش یافته سبب پیچیدگی و تنوع در حقوق مالی سهامداران و موجب شد عبارت حقوق صاحبان سرمایه جایگزین واژه سرمایه در معادله اصلی حسابداری و نیز ترازنامه‌های شرکت‌ها شود. امروزه سرمایه بخشی از اقلام تشکیل‌دهنده حقوق صاحبان سرمایه در ترازنامه‌های شرکت‌هاست که خود به انواع متفاوتی مانند سرمایه پرداخت شده، سرمایه تعهد شده، سرمایه اهدایی و ... تقسیم بندی می‌شود. هر چند که بر پایه نظریه شخصیت حسابداری حساب‌های حقوق صاحبان سرمایه نشان‌دهنده حقوق مالکانه سهامداران نبوده، بلکه ادعای آنها را به عنوان سهامداران شرکت منعکس می‌کند.

با پیشرفت های دانش حسابداری و مدیریت مالی و گسترش دایره واژگان این دانش‌ها، اصطلاح‌هایی مانند سرمایه در گردش، سرمایه به کار رفته، ساختار سرمایه و دیگر واژه‌ها ساخته و به این واژگان افزوده شده‌اند که واژه سرمایه، جزئی بنیادین در ساخت آنها بوده است.

ادامه دارد...

مفاهیم نهفته در معادله اصلی حسابداری

در دانش حسابداری، تساوی اقلام دارایی با مجموع اقلام بدهی و سرمایه، معادله اصلی حسابداری نامیده شده است که پیشینه آن به پیدایش دفترداری دوطرفه باز می‌گردد. مفاهیم نهفته در این تساوی از مفاهیم بنیادین حسابداری و نظام دفترداری دوطرفه هستند.

«لیتلتن» در تبیین این مفاهیم می‌گوید: «مهم‌ترین نکته‌ای که باید در اینجا خاطر نشان شود این است که یکپارچه کردن حساب‌ها به صورت یک سیستم کار تصادفی نبوده است. آن روابط یکپارچه‌کننده، طبعاً در درون معاملات وجود داشته است. کاری که پیشروان پدیدآورنده ثبت دوطرفه کرده‌اند، کشف این روابط بود به آن اندازه که بتوانند آنها را چنان در روش‌ورزی‌های حساب‌گشایی‌شان بگنجانند که تصویری از روابط متقابل موجود در درون معاملات، به دست آید. در حسابداری واژه «رابطه متقابل» به همان اندازه مهم است که واژه «طبقه‌بندی» و این در خصلت حسابداری است که مشکل بتوان از حساب‌ها (مقوله‌های طبقه‌بندی) سخن گفت بی‌آنکه از معاملات (داده‌های طبقه‌شدنی) هم سخن گفته شده باشد، چرا که ماهیت حساب‌ها معلول ماهیت معاملات است».

در مفاهیم نظری گزارشگری مالی در تشریح این روابط متقابل آمده است «دارایی‌ها و بدهی‌ها قرینه یکدیگرند، بدین معنا که دارایی‌ها عبارت از حقوقی است که به موجب آنها دستیابی به منافع اقتصادی حاصل می‌شود و در همین حال بدهی‌ها، تعهد واحد تجاری مبنی بر انتقال منافع اقتصادی است. به خاطر این ارتباط، از دارایی‌ها جهت تسویه بدهی‌ها می‌توان استفاده و دارایی‌ها را می‌توان در قبال ایجاد بدهی (مثل خرید نسبه کالا) تحصیل کرد». (بند ۲۹-۳)

معادله اصلی حسابداری افزون بر اینکه شالوده نظام دفترداری دوطرفه است، به عنوان الفبای آموختن دانش حسابداری، در متون آموزشی حسابداری جای دارد و به کار برده می‌شود.

واژه‌های به کار رفته برای اشاره به اجزای سازنده این معادله در زبان فارسی؛ دارایی، بدهی و سرمایه هر سه از واژه‌های سره فارسی هستند که از حوزه واژه‌های عمومی به حوزه واژگان حسابداری در زبان فارسی راه یافته‌اند. بررسی واژه‌شناسی این واژه‌ها نکات بیشتری را پیرامون آنها به عنوان اصطلاح‌های حسابداری بازگو می‌کند.

دارایی

هر چند واژه دارایی همانند واژه‌های بدهی و سرمایه از حضوری دیرینه در زبان گفتار و نوشتار روزمره فارسی برخوردار است، اما کاربست حقوقی آن به قانون تجارت نگاشته شده در سال ۱۳۱۱ بر می‌گردد. برابر ماده ۵۴ آن قانون مقرر شده بود که «مدیران هر شرکت سهامی باید ۶ ماه به ۶ ماه، خلاصه صورت دارایی و قروض شرکت را مرتب کرده و به مفتشین بدهند». برابر ماده ۵۵ قانون نیز مقرر شده بود که «مدیران هر شرکت سهامی باید مطابق ماده ۹ این قانون صورت حسابی را که متضمن دارایی منقول و غیرمنقول و همچنین صورت مطالبات و قروض شرکت باشد مرتب کنند، این صورت حساب و همچنین بیلان حساب نفع و ضرر شرکت باید لااقل چهل روز قبل از انعقاد مجمع عمومی به مفتشین داده شود که به مجمع مزبور بدهند» (شایان ذکر است که تا پیش از تصویب واژه بازرس از سوی فرهنگستان اول زبان فارسی در سال ۱۳۱۹ از واژه عربی مفتش به جای بازرس استفاده می‌شد).

به این ترتیب، نخستین بازتاب‌های حقوقی و حسابداری از واژه دارایی با قانون تجارت ایران در سال ۱۳۱۱ رقم زده شد.

واژه دارایی از نظر دستوری اسم عام است که از پیوند صفت فاعلی «دارا» با پسوند اسم ساز «یی» ساخته شده که خود واژه دارا بر ساخته از ترکیب تکواژ «دار» ریشه حال از مصدر داشتن با پسوند صفت ساز «ا» است. همان گونه که در مفاهیم نظری گزارشگری مالی آمده است؛ آنچه تشکیل دهنده یک دارایی